

Reconsidering the Concept of Power in Light of the Emergence of Social Media Networks: A Case Study of the 2019 Protests in Lebanon and Iraq

Sayyidah Hanieh Mo'meni¹, Maqsood Ranjbar Khachak², Gholamreza Khajeh Sarvi³

¹ Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. moemenh789@gmail.com

² Department of Political Science, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**).
t.tofan1390@yahoo.com

³ Department of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. paez10000@yahoo.com

Abstract

The emergence of social media networks has transformed the dynamics of power in modern societies and challenged traditional theoretical frameworks of power. This study examines the role of social media in redefining the concept of power during the 2019 protests in Lebanon and Iraq by employing content analysis to investigate data collected from these platforms. The findings indicate that social media functioned not only as a tool for the rapid dissemination of information but also as an effective instrument for shaping public opinion, organizing protests, and mobilizing the public. During these protests, hashtags played a pivotal role in facilitating coordination and communication, thereby fostering cohesion among protesters. This, in turn, increased public awareness and accelerated the process of social mobilization. Moreover, influencers and independent media played a significant role in presenting critical perspectives, challenging official discourse, and weakening state-sponsored narratives. At the same time, the widespread dissemination of protest-related images and videos further strengthened the role of social media in shaping public opinion and attracting international solidarity. The results demonstrate that, within this environment, power is exercised primarily through soft power. This transformation has shifted the concept of power from direct domination toward influence and persuasion. Furthermore, social media have reduced the authority of states while strengthening the power of the public, functioning as a challenging instrument against traditional structures of power. In addition, by creating new spaces for dialogue and information exchange, these platforms have contributed to the development of political and social awareness among citizens. Consequently, social media are not merely channels for information dissemination but also constitute a platform for transforming and redefining the concept of power in modern societies. This finding further underscores the importance of analyzing the role of these networks in political and social developments and highlights the necessity of examining their implications for the future of governance systems and political structures.

Keywords: Power; Social Media Networks; Protests; Lebanon; Iraq; Media.

Received: 2025-07-07 ; Received in revised form: 2025-09-21 ; Accepted: 2025-10-07 ; Published online: 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2027456.2206>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بازنگری در مفهوم قدرت در پرتو ظهور شبکه‌های اجتماعی: مطالعه موردی اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق

سیده حانیه مومنی^۱، مقصود رنجبر خاکچک^۲، غلامرضا خواجه سروی^۳

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. moemenh789@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). tofan1390@yahoo.com

^۳ گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. paez10000@yahoo.com

چکیده

ظهور شبکه‌های اجتماعی، پویایی قدرت در جوامع مدرن را متحول کرده و چارچوب‌های نظری سنتی قدرت را به چالش کشیده است. این پژوهش، با بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتعریف مفهوم قدرت در جریان اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق، از روش تحلیل محتوا برای بررسی داده‌های گردآوری شده از این شبکه‌ها استفاده کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی نه تنها به عنوان ابزاری برای انتشار سریع اطلاعات، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در شکل‌دهی افکار عمومی، سازماندهی اعتراضات و بسیج مردمی عمل کرده‌اند. در جریان این اعتراضات، هشتگ‌ها به عنوان ابزاری برای هماهنگی و انتقال پیام، نقشی کلیدی در ایجاد انسجام بین معترضان ایفا کرده‌اند. این امر منجر به افزایش آگاهی عمومی و تسریع فرآیند بسیج اجتماعی شده است. علاوه بر این، اینفلوئنسرها و رسانه‌های مستقل در ارائه دیدگاه‌های انتقادی، به چالش کشیدن گفتمان رسمی و تضعیف روایت‌های دولتی نقش مؤثری داشته‌اند. از سوی دیگر، انتشار گسترده تصاویر و ویدئوهای اعتراضی، نقش شبکه‌های اجتماعی را در شکل‌دهی به افکار عمومی و جلب همبستگی بین‌المللی پررنگ‌تر کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در این فضا، قدرت بیشتر از طریق «قدرت نرم» اعمال می‌شود. این تغییر باعث تحول در مفهوم قدرت از سلطه مستقیم به نفوذ و اقناع شده است. همچنین، شبکه‌های اجتماعی موجب کاهش اقتدار دولت‌ها و تقویت قدرت مردمی شده‌اند و به عنوان یک ابزار چالش‌برانگیز در برابر ساختارهای سنتی قدرت عمل کرده‌اند. به علاوه، این شبکه‌ها با ایجاد فضاهای جدید برای گفت‌وگو و تبادل اطلاعات، به توسعه آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم کمک کرده‌اند. لذا، شبکه‌های اجتماعی نه تنها رسانه‌هایی برای اطلاع‌رسانی هستند، بلکه بستری برای تغییر و بازتعریف مفهوم قدرت در جوامع مدرن به شمار می‌روند. این امر اهمیت تحلیل نقش این شبکه‌ها در تحولات سیاسی و اجتماعی را دوچندان می‌کند و ضرورت بررسی تأثیرات آن بر آینده نظام‌های حکمرانی و ساختارهای سیاسی را آشکار می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: قدرت، شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات، لبنان، عراق، رسانه.

استناد به این مقاله: مومنی، سیده حانیه؛ رنجبر خاکچک، مقصود؛ خواجه سروی، غلامرضا (۱۴۰۴). بازنگری در مفهوم قدرت در پرتو ظهور شبکه‌های اجتماعی: مطالعه موردی اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق. *سیاست متعالیه*، ۱۳ (۴): ص ۱۰۹-۱۲۸.

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2027456.2206>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

پیدایش شبکه‌های اجتماعی، تحولات بنیادینی در مفهوم قدرت ایجاد کرده است. امروزه، قدرت نه تنها در انحصار دولت‌ها، بلکه در دست فعالان مجازی و افراد عادی نیز قرار دارد. این دگرگونی، ضرورت بازنگری در مفهوم سنتی قدرت را آشکار می‌کند. با ظهور شبکه‌های اجتماعی، قدرت غیرمتمرکز و سیال شده و افراد عادی می‌توانند به سرعت اطلاعات را منتشر کنند و به سازماندهی جمعی بپردازند. این امر، منجر به ظهور پدیده‌هایی مانند «قدرت نرم» و «قدرت هوشمند» شده است. اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق، نمونه‌های بارز نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی هستند. در این اعتراضات، شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای تبادل اطلاعات، هماهنگی بین معترضان و سازماندهی تجمعات مورد استفاده قرار گرفتند. شبکه‌های اجتماعی علاوه بر نقش رسانه‌ای، قدرت ساماندهی حرکت‌های اجتماعی را نیز دارند و با هدایت برخی بازیگران، مردم را به حضور در خیابان‌ها تشویق کردند. این شبکه‌ها با تولید محتوا و انتشار اخبار ضدّ و نقیض، به نقد مشروعیت نظام دو دولت پرداخته و مردم را علیه حاکمیت تحریک کردند.

۲. پیشینه پژوهش

احمدپور ترکمانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با تمرکز بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان نشان دادند که کاربر فعال و استفاده از فضای مجازی، بر جامعه‌پذیری سیاسی تاثیرگذار است. ایزا^۱ و همکاران (۲۰۱۸) نیز نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش آزادی خبرنگاران الجزیره را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که نقش فعالان شبکه‌های اجتماعی در این جنبش بیش از فعالان مردمی بوده است. برنز و نورنبرگ^۲ (۲۰۱۹) با بررسی روابط بین ژورنالیست‌های سیاسی و مخاطبین در توییتر نشان دادند که تفاوت در قوانین ملی بر ساختار قدرت تاثیرگذار است. در مقایسه با پژوهش‌های ذکر شده، پژوهش حاضر با تمرکز بر بازنگری مفهوم قدرت در پرتو شبکه‌های اجتماعی و با مطالعه موردی اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق، به دنبال بررسی تغییرات بنیادین در ماهیت و کارکرد قدرت است. در حالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی تاثیرات شبکه‌های اجتماعی بر جامعه‌پذیری سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، و روابط بین ژورنالیست‌ها و مخاطبان پرداخته‌اند، این پژوهش با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم قدرت، تلاش می‌کند نشان

1. Isa

2. Burns & Nürnberger

دهد که چگونه شبکه‌های اجتماعی ساختارهای قدرت سنتی را به چالش کشیده و الگوی جدیدی از قدرت را شکل داده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی این مسئله است که چگونه شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای سازماندهی، بسیج و اطلاع‌رسانی در اعتراضات عمل کرده و تعاملات میان معترضان، دولت‌ها و نهادهای مختلف را در این فضا شکل داده‌اند.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با ترکیبی از روش‌های اسنادی-کتابخانه‌ای و داده‌بنیاد (گراندد تئوری) انجام شده است. روش داده‌بنیاد، که مبتنی بر استقراء و مشاهده است، نظریه را مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌کند (فلیک، ۱۳۸۸: ص ۱۰۸). برای بررسی دقیق‌تر نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتعریف مفهوم قدرت در اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق، از روش تحلیل محتوا نیز استفاده شده است. تحلیل محتوا به عنوان روشی نظام‌مند، به شناسایی و تحلیل الگوها، مفاهیم و پیام‌های موجود در داده‌های شبکه‌های اجتماعی کمک کرده است.

۴. مبانی نظری تحقیق

۴-۱. قدرت: تعاریف، نظریه‌ها و مبانی

مقوله «قدرت» از مفاهیم بنیادین علوم سیاسی است و اندیشمندان مختلف، تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. در ادامه، نظریات مفهوم قدرت در دوره کلاسیک و جدید به صورت مختصر بررسی شده و در نهایت نظریه مبنایی این مقاله معرفی می‌شود.

۴-۲. نظریات کلاسیک قدرت

پرداختن به قدرت در یونان باستان با سقراط آغاز می‌شود. در اندیشه کلاسیک، سقراط سعادت را در دانش می‌دانست و قدرت را وسیله رسیدن به آن می‌شمرد. افلاطون عدالت را اساس سعادت و قدرت را ابزار استقرار عدالت می‌دانست و قدرت را ابزار اجرای عدالت تعریف می‌کرد. با این حال، او قدرت را فی‌نفسه نیک یا بد نمی‌دانست (منوچهری، ۱۳۷۶: ص ۳۲).

۴-۳. نظریات جدید قدرت

از منظر بسیاری از اندیشمندان سیاسی، نگرش مدرن در باب قدرت با هابز آغاز می‌شود. هابز قدرت را با نهاد پادشاهی مرتبط می‌داند و معتقد است که حاکمیت با واگذاری حق نمایندگی به یک فراقدرت مستقر می‌شود و قدرت سامان‌بخش، در پادشاه متمرکز است (محمدیاری، ۱۳۹۱: ص ۶۱). وبر قدرت را توانایی

اعمال اراده در روابط اجتماعی می‌داند (عالم، ۱۳۷۷: ص ۲۵۵). مورگنتا قدرت را رابطه‌ای روانی بین اعمال‌کنندگان و مخاطبان آن معرفی می‌کند. از سوی دیگر، فوکو قدرت را شبکه‌ای گسترده و فراگیر می‌داند که در تمام سطوح جامعه جاری است و از بالا به پایین و از پایین به بالا عمل می‌کند و قدرت را در سطح تکنولوژی بدنی و جامعه انضباطی می‌بیند (ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ص ۲۱). فوکو قدرت را از دیدگاه خرد و نزدیک به دیدگاه پسامدرنیستی می‌نگرد. او قدرت را در سطح حکومت و دولت نمی‌بیند، بلکه آن را در سطح تکنولوژی بدنی و سیاست‌های بدنی و جامعه انضباطی در نظر می‌گیرد (دریفوس^۱ و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۳۱۲). نای (۱۹۹۰) قدرت نرم را توانایی جلب‌نظر و اقناع افکار عمومی می‌داند (Nye, 1990: p. 153). کاستلز^۲ در کتاب «قدرت ارتباطات»، قدرت را ظرفیت رابطه‌ای می‌داند که به کنشگر اجتماعی امکان می‌دهد تا بر تصمیمات سایر کنشگران تاثیر بگذارد (Castells, 2017: p.10).

۴-۴. تحلیل مقایسه‌ای و بیان نظریه منتخب

در دوران کلاسیک و مدرن، قدرت بیشتر در ارتباط با دولت یا حکومت تعریف شده است؛ در دوران پیشامدرن، به وظایف دولت و رسالت قدرت توجه می‌شد، اما در دوران مدرن، تمرکز بر ماهیت قدرت و رابطه آن با دولت و جامعه یا چگونگی توزیع قدرت بوده است.

جدول ۱- تعریف قدرت در اندیشه‌های کلاسیک و مدرن

نام اندیشمند	دوره زمانی	تعریف قدرت
سقراط	کلاسیک	قدرت در معنای دانش
افلاطون	کلاسیک	قدرت؛ عامل استقرار عدالت
ارسطو	کلاسیک	قدرت یاری‌دهنده انسان برای انجام بهترین کارها
هابز	مدرن	قدرت در نهاد پادشاهی برای جلوگیری از وضعیت جنگ همه علیه همه
وبر	مدرن	امکان تحمیل اراده با وجود مقاومت
مورگنتا	مدرن	کنترل افراد بر ذهن و عمل دیگران
فوکو	پست‌مدرن	شبکه‌ای از مناسبات که همواره در حال گسترش و فعالیت است
نای	نوبین	قدرت نرم: توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه
کستلز	نوبین	ظرفیتی رابطه‌ای که یک کنشگر اجتماعی خواسته‌ها و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده می‌کند.

1. Hubert Dreyfus

2. Castells

در عصر مدرن، قدرت در ارتباط با دولت مطرح است، اما در اندیشه پسامدرن، قدرت مفهومی گسترده‌تر یافته و تمام حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد. فوکو قدرت را شبکه‌ای وسیع می‌داند و معتقد است هر فرد، فارغ از جایگاهش، با اثرگذاری خود قدرتی را اعمال می‌کند (بشیری، ۱۳۷۸: ص ۳۱).

۵. نمودهای جدید قدرت در بستر شبکه‌های اجتماعی

در عصر فضای مجازی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، قطب‌های جدید قدرت شکل گرفته و توزیع نابرابر آن به افراد با «زیست شبکه‌ای» فرصت اثرگذاری می‌دهد. هر فرد با دانش پایه از رسانه‌های دیجیتال و شرایط مناسب می‌تواند به چهره‌ای با نفوذ تبدیل شود. این قدرت، شخصی و مستقل از مقام بوده و حتی ممکن است در اختیار افراد با هویت‌های ناشناخته یا «فیک» قرار گیرد که با ادبیات جذاب و اظهارنظر در موضوعات گوناگون قدرت اثرگذاری پیدا کرده‌اند. برای تحلیل شکل‌گیری قدرت در این فضا، درک ماهیت و سطح کنشگران ضروری است. این کنشگران در چند لایه (سطح) بسیار مهم و راهبردی دسته‌بندی می‌شوند.

لایه ۱) مالکان (مدیران) زیرساخت اینترنت:^۱ اینترنت در سال ۱۹۶۹ توسط وزارت دفاع آمریکا و با پروژه آرپانت آغاز شد و با گسترش آن، پایه اینترنت جهانی شکل گرفت. زیرساخت اینترنت همچنان تحت مدیریت ایالات متحده است، و این کشور نقش کلیدی در مدیریت قدرت در فضای مجازی دارد. آمریکا می‌تواند با محدود یا قطع کردن اینترنت، فعالیت شبکه‌های اجتماعی وابسته به این زیرساخت را مختل کند، که این کنترل، مهم‌ترین ابزار قدرت در فضای مجازی محسوب می‌شود.

لایه ۲) مالکان پلتفرم‌ها (شبکه‌های اجتماعی):^۲ افرادی مانند مارک زاکربگ (مالک فیسبوک)، جک دورسی و ایلان ماسک (مالکان پیشین و فعلی توییتر) و پاول دورف (مالک تلگرام) با تمرکز بر منافع اقتصادی، قدرت جهت‌دهی محتوایی را نیز در اختیار دارند و از این توان برای هدایت محتوا بهره می‌برند. به باور مانوئل کاستلز، قدرت در عصر فضای مجازی در دستان این گروه است (کاستلز، ۱۳۹۸: ص ۱۴۷). ۹۰ درصد پلتفرم‌های جهان، از جمله فیسبوک، توییتر، اینستاگرام و واتساپ، در آمریکا مستقر هستند. این تسلط به حدی اهمیت دارد که آمریکا حتی فعالیت پلتفرم‌های خارجی قوی مانند تیک‌تاک را که خارج از کنترلش باشد، نمی‌پذیرد.

1. Internet Managers

2. Platform owners

لایه ۳) کاربران^۱: پس از دو لایه راهبردی قبل (مدیران اینترنت و مالکان پلتفرم‌ها)، نوبت به کاربران می‌رسد. سطح کاربری در شبکه‌های اجتماعی خود به چند لایه تقسیم می‌شود:

سلبریتی‌ها:^۲ در هر جامعه‌ای گروه‌های مرجع روی تصمیم‌سازی مردم تاثیر دارند. سلبریتی شامل خواننده، بازیگر، فوتبالیست و... می‌شود. این دسته از افراد به دلیل جایگاه اجتماعی و محبوبیت، به خودی خود مورد توجه هستند و با ظهور شبکه‌های اجتماعی در این فضا حضور یافته‌اند (ده‌صوفیانی، ۱۳۹۸: ص ۹۰).

اینفلوئنسرها:^۳ این گروه، افراد کنشگر و موثری هستند که صرفاً در شبکه زیست کرده‌اند و اثرگذاری بیشتری نسبت به سلبریتی‌ها دارند. سلبریتی‌های سنتی نوعی جدایی و فاصله‌گیری از مخاطبان را در کار خود اعمال می‌کنند؛ اما اینفلوئنسرها محبوبیت خود را بر پایه حس اتصال و پاسخگویی اندرکنشی به مخاطبان نشان استوار می‌سازند.

بلاگرها:^۴ این دسته از کنشگران، افرادی هستند که در حوزه خاصی محتوا تولید کرده و به اصطلاح مولف هستند. به طور مشخص در اینستاگرام بلاگرهای متعددی از جمله: بلاگر آشپزی، مد، عکاسی، سیاسی، محیط زیست، زنان و... حضور دارند.

رسانه‌های رسمی:^۵ لایه دیگری از کنشگران فضای مجازی، رسانه‌های رسمی هستند. این رسانه‌ها: اولاً، عموماً در شبکه‌های اجتماعی فعال بوده و صفحاتی را به صورت رسمی یا غیررسمی ایجاد و محتوای آن را مدیریت می‌کنند؛ ثانیاً، تلاش دارند با ارتقاء خبرنگاران‌شان، آنها را به بلاگر یا اینفلوئنسر تبدیل کنند. مصداق موفق این رسانه‌ها سی.ان.ان. است، رسانه‌ای که در مرزهای رسانه‌ای خودش متوقف نشده و برای خبرنگارانش هم پروتکل فعالیت شخصی تهیه کرده و آنها را آموزش داده است.

کاربران عمومی:^۶ این لایه، پرجمعیت‌ترین گروه و مخاطب اصلی در فضای شبکه‌های اجتماعی هستند که عموماً مصرف‌کننده محتوا بوده و یا مطالب دلخواه خود را بازنشر (ریتوییت، استوری و...) می‌کنند. هدف نهایی همه جریان مدیریت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، اثرگذاری بر این گروه است (میثمی، ۱۳۹۹: ص ۷).

1. Users
2. Celebrities
3. Influencers
4. Bloggers
5. Traditional media
6. General public

۷. مصاحبه با دکتر حسن میثمی، پژوهشگر حوزه فضای مجازی، انجام‌شده در سال ۱۳۹۹ درباره نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی

۶. فرآیند شکل‌گیری قدرت در شبکه‌های اجتماعی

در گذشته، قدرت در دست گروهی محدود از افراد و نهادها بود، اما امروزه، دسترسی به اطلاعات و استفاده مؤثر از آن، به افراد امکان می‌دهد در عرصه قدرت نقش ایفا کنند. فناوری‌های ارتباطی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، بر توزیع و اعمال قدرت در سیاست تاثیرگذار بوده و به تضعیف دولت‌های ملی و افزایش مشارکت مدنی منجر شده‌اند. رسانه‌های جمعی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، بر افکار عمومی تاثیرگذارند و در فرآیند بسیج سیاسی اپوزیسیون نیز نقش دارند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۱۲) در ادامه، به شواهد تجربی اعتراضات لبنان و عراق در سال ۲۰۱۹ و شکل‌گیری قدرت در فضای مجازی اشاره می‌شود.

۷. شبکه‌های اجتماعی و اعتراضات لبنان

اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان که به «انقلاب اکتبر» معروف است، با افزایش مالیات بر تماس‌های واتساپ آغاز گردید و به جنبشی ضد حکومتی تبدیل شد. این اعتراضات با استفاده از شبکه‌های اجتماعی گسترش یافت و به مردم کمک کرد تا صدای خود را به جهانیان برسانند. پژوهش‌های کایروز و داغر^۱ نشان می‌دهند که شبکه‌های اجتماعی در ابتدا به عنوان محرک اعتراضات مسالمت‌آمیز عمل کردند و در مراحل بعدی، با ورود خشونت به اعتراضات، به پلتفرم‌های جدیدی برای سازماندهی تظاهرات مدنی تبدیل شدند (Kairouz & Dagher, 2020: p. 27). شبکه‌های اجتماعی می‌توانند هم جنبه‌های مثبت و هم منفی داشته باشند. از یک‌سو، این شبکه‌ها به مردم کمک می‌کنند تا صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و برای تغییر وضعیت تلاش کنند. از سوی دیگر، ممکن است به گسترش اطلاعات نادرست و تحریف واقعیت نیز کمک نمایند. برای مثال، در اعتراضات ۱۷ اکتبر لبنان، برخی اینفلوئنسرها و افراد محبوب، اطلاعات غلطی را منتشر کردند که موجب سردرگمی و تفرقه‌افکنی میان مردم شد (Kairouz & Dagher, 2020: p. 28). تحلیل روند اعتراضات لبنان نشان داد که این اعتراضات به طور مستقیم با شبکه‌های اجتماعی مرتبط بودند. اگرچه برخی افراد در لبنان بسیاری از شخصیت‌های تاثیرگذار را دنبال نمی‌کنند، اما حمایت از اعتراضات در بسیاری از صفحات اجتماعی مشاهده می‌شد. به‌ویژه صفحات با محتوای واقعی مانند «جینو ریدی»، «آنا خط احمر» و «قلم سیاسی» نقش مهمی در شعله‌ور شدن اعتراضات ایفا کردند.

۷-۱. شبکه‌های اجتماعی و آغاز جریان اعتراضات

در مورد نقش شبکه‌های اجتماعی پیرامون سازماندهی اعتراضات لبنان اختلاف نظر وجود دارد. برخی

1. Kairouz & Dagher

تحلیل‌گران مانند دکتر ریچا و آقای صدک معتقدند اعتراضات به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی لبنان آغاز شد و شبکه‌های اجتماعی نقشی در شروع آن نداشتند. آنها بر این باورند که شرایط سخت زندگی مردم خودبه‌خود موجب خشم عمومی و نیاز به اعتراض شد. اما تحلیلگران دیگری مانند آقای گنور و خانم دنیچلی معتقدند که شبکه‌های اجتماعی در شعله‌ور کردن اعتراضات نقش حیاتی داشتند. آنها می‌گویند اعتراضات با مالیات بر واتس‌اپ آغاز شد و شبکه‌های اجتماعی به مردم انگیزه دادند تا در تظاهرات‌ها شرکت نموده و هدف مشترکی برای بهبود لبنان پیدا کنند (El Ghusayni, 2022: p. 76).

۷-۲. شبکه‌های اجتماعی و تداوم جریان اعتراضات

با وجود اختلاف‌نظرها در مورد شروع اعتراضات، شواهد حاکی از آن است که شبکه‌های اجتماعی در حفظ و ادامه اعتراضات نقش مهمی داشتند. در طول ۷ ماه اعتراض، تاثیرگذاران و گروه‌های مختلف به انتشار اخبار و دلایل جدید ادامه داده و به مردم اعتماد به نفس دادند که صدایشان شنیده می‌شود. در عین حال، دکتر ریچا معتقد بود که اعتراضات مستقل از شبکه‌های اجتماعی و ناشی از عوامل اقتصادی و سیاسی بود که مردم لبنان را به خیابان‌ها کشاند. بسیاری از فعالان رسانه‌ای در لبنان بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی فضایی جدید برای ابراز نارضایتی از فساد و پاسخ‌خواهی از مقامات فراهم کردند (Mehanna, 2021: p. 27).

۷-۳. شبکه‌های اجتماعی و سازماندهی اعتراضات

وداد صادق^۱ تحلیلگر سیاسی، بر برتری شبکه‌های اجتماعی نسبت به سایر رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون‌ها تاکید می‌کند. او دلیل این برتری را حضور مستمر ۲۴ ساعته شبکه‌های اجتماعی می‌داند. این امر به مردم امکان می‌دهد که در هر ساعت از شبانه‌روز از آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به اعتراضات مطلع شوند. بررسی به پیچ مجازی «آنا خط احمر» و سایر صفحه‌هایی که در زمان اعتراضات محبوبیت داشتند، نشان می‌دهد که این صفحات به دلیل ارتباط با سازمان‌دهنده‌های مرتبط با زمینه‌های تجاری و بخش خصوصی، از اختیارات و رهبری بیشتری برخوردار بودند. این امر باعث افزایش اعتماد مردم به شبکه‌های اجتماعی و اعتبار آنها شد و دعوت از مردم برای تظاهرات و سازماندهی «هات اسپات»^۲ را آسان‌تر کرد.

۷-۴. شبکه‌های اجتماعی و پایان اعتراضات لبنان

در مورد پایان اعتراضات لبنان، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند شبکه‌های اجتماعی در ابتدا

1. Waddah Sadek (چهره رسانه‌ای و بنیانگذار پیج‌های مجازی تحت عنوان خط احمر)

2. Hotspot

نقش مهمی در گسترش اعتراضات داشتند، اما بعدها به عامل توقف آن تبدیل شدند. آقای جنور، کارشناس مسائل اجتماعی لبنان می‌گوید که شبکه‌های اجتماعی در ابتدا برای بسیج مردم و سازماندهی اعتراضات مفید بودند، اما پس از مدتی باعث سردرگمی و رقابت‌های بین گروه‌ها شدند. این امر باعث از دست رفتن هماهنگی و رهبری واحد در اعتراضات شد. همچنین، به دلیل کاهش پوشش رسانه‌ای و نبود اهداف بلندمدت، اعتراضات محبوبیت خود را از دست داد. در نهایت، همه‌گیری کرونا نیز باعث کاهش تمرکز مردم بر مسائل سیاسی و پایان اعتراضات شد (El Ghusayni, 2022: p. 80).

۸. تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ عراق

شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات مردمی عراق نقش مهمی ایفا کردند، به‌ویژه با توسعه فناوری و تاثیرگذاری گسترده بر زندگی مردم. این شبکه‌ها اخبار اعتراضات را سریعاً منتشر کرده و به آگاهی مردم و گسترش اعتراضات کمک کردند. همچنین، به تظاهرکنندگان این امکان را دادند که با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از هم حمایت کنند، که باعث تحریک احساسات مردم و تشویق آن‌ها به حمایت از اعتراضات شد. برخی پژوهشگران امور عراق معتقدند که شبکه‌های اجتماعی باعث ایجاد پدیده‌ای جهانی به نام «عصر انقلاب بدون رهبر»^۱ شده‌اند. در این فضا، ملیت‌ها، طبقات و سازمان‌های سنتی حزبی درهم می‌آمیزند و میلیون‌ها نفر به‌عنوان رهبران عقاید و بیان خود عمل می‌کنند (الهاشمی^۲، ۲۰۲۰: ص ۳۷). کاربرد شبکه‌های اجتماعی از دو زاویه مختلف ارزیابی می‌شود: از زاویه فرستنده به‌عنوان ابزار ارتباطی برای اهداف مختلف و از زاویه گیرنده به‌عنوان ابزاری برای برآورده کردن نیازهای مختلف مخاطبان، ازجمله ارتباط، کسب اطلاعات، سرگرمی و احساس تعلق (محمد، ۲۰۱۳: ص ۵۶). این اثرگذاری را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

۸-۱. تاثیر شبکه‌های اجتماعی در دعوت به تظاهرات و بسیج مردم عراق

شبکه‌های اجتماعی نقش کلیدی در بسیج مردم و سازماندهی اعتراضات علیه وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در عراق ایفا کرده‌اند. این شبکه‌ها به ابزاری مؤثر برای مردم تبدیل شدند، تا خواسته‌های

۱. «عصر انقلاب بدون رهبر»، اصطلاحی است که برای توصیف نوع جدیدی از جنبش‌های اجتماعی به‌کار می‌رود که در آن، نقش رهبران سنتی و سازمان‌های سیاسی کاهش یافته و به جای آن، رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک نیروی محرک اصلی عمل می‌کنند.

۲. الهاشمی، برگرفته از مرکز مطالعات الجزیره (<https://studies.aljazeera.net>)

خود را برای آزادی بیان و تغییرات سیاسی مطرح کنند. اعتراضات گسترده‌ای در اکتبر ۲۰۱۹ در بغداد و دیگر استان‌های عراق آغاز شد که مردم خواستار خدمات بهتر، فرصت‌های شغلی و مبارزه با فساد بودند. در واکنش به این اعتراضات، دولت عراق اینترنت را قطع کرد که دسترسی به اطلاعات و سازماندهی تظاهرات را دشوار ساخت. این قطعی به کاهش پوشش رسانه‌ای اعتراضات منجر شد، ولی شبکه‌های اجتماعی به ویژه توئیتر، منبع اصلی پوشش اعتراضات در سطح محلی و بین‌المللی شدند. با توجه به ساختار پیچیده انواع ارتباطات اجتماعی، ابزارهای اعتراض نیز متنوع شده و روش‌های جدیدی برای اعتراض ابداع شده‌اند. به عنوان مثال، هشتگ‌ها به ابزاری برای جلب توجه به مسائل، بسیج حمایت و محکومیت رفتارهای خاص تبدیل شدند. استفاده گسترده از هشتگ‌ها توجه و فضای بیشتری را به مسائل معترضین جلب کرد. شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام تاثیر زیادی بر اعتراضات در عراق داشتند. تصاویر تظاهرکنندگان در میدان تحریر بغداد به سرعت در این شبکه‌ها منتشر شد و توجه جهانی را جلب کرد. در دو روز اول اعتراضات، پوشش رسانه‌ای دولتی و وابسته به احزاب سیاسی محدود بود و تنها سه شبکه تلویزیونی به پوشش اخبار اعتراضات پرداختند. این امر موجب شد که مردم برای اطلاع از اخبار، به شبکه‌های اجتماعی روی آورند و از این پلتفرم‌ها برای سازماندهی، هماهنگی و انتشار تصاویر اعتراضات استفاده کنند (عبد، ۲۰۲۰: ص ۷۶). اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ عراق بدون دسترسی به اینترنت و ابزارهای اجتماعی شکل نمی‌گرفت. با گسترش اعتراضات، مقامات عراقی شبکه‌های اجتماعی را مسدود نموده و اینترنت را قطع کردند. با این حال، مردم عراق از روش‌های مختلف ارتباطی مانند برنامه‌های VPN و روش‌های ماهواره‌ای پرهزینه برای ادامه اعتراضات استفاده کردند (عوده، ۲۰۱۹: ص ۱).

۸-۲. تاثیر شبکه‌های اجتماعی در انتقال وقایع به صورت محلی

اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی در تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ عراق به وضوح مشاهده شد. علی‌رغم تلاش برای محدود کردن تاثیر رسانه‌ها و قطع اینترنت، این ابزارها به بیدار شدن وجدان عراقی‌ها در سراسر کشور و گسترش اعتراضات از بغداد به سایر استان‌ها کمک کرد. از طریق شبکه‌های اجتماعی، فعالان تصاویر و ویدئوهای راهپیمایی‌ها را منتشر کرده و هشتگ‌هایی برای بیان مطالبات خود ایجاد کردند. هشتگ‌هایی مانند «عراق میلیونی»، «وفاداری من فقط به عراق است» و «حق من را بگیر» به نماد اعتراضات تبدیل شدند. هشتگ «عراق میلیونی» بیشترین تاثیر را در شعله‌ور شدن این انقلاب داشت و برخی هشتگ‌ها مانند «عراق قیام می‌کند»، «ما وطن می‌خواهیم» و «من می‌آیم تا حقم را بگیرم»، در صدر ترندهای توئیتر قرار گرفتند.

(مرکز الاعلام الرقمی^۱، ۲۰۲۰: ص ۱۲).

۸-۳. تاثیر شبکه‌های اجتماعی در انتقال رویدادهای عراق در سطح بین‌المللی

شبکه‌های اجتماعی، با انتقال وقایع کشورها به جهان، بر افکار عمومی بین‌المللی تاثیر می‌گذارند و فشارهایی به دولت‌ها وارد می‌کنند (عبدالفتاح، ۲۰۱۶: ص ۱۳۴). در تظاهرات اکتبر عراق، شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در آگاهی‌بخشی جامعه بین‌المللی ایفا کرده و وقایع اعتراضات را به نقاط مختلف جهان منتقل کردند. همچنین، تصاویری از برخورد خشونت‌آمیز با معترضان را نیز منتشر نمودند. در میان طرف‌های بین‌المللی، ایالات متحده تحولات عراق را رصد می‌کرد و از دولت عراق خواست تا خشونت علیه تظاهرکنندگان را متوقف کند (Ali, 2019: p. 2). اتحادیه اروپا نیز نگرانی خود را ابراز نمود. سازمان ملل متحد نیز استفاده بیش از حد زور توسط مقامات عراقی را محکوم کرد. اما سازمان ملل متحد، فعال‌ترین طرف در صحنه عراق بود. این سازمان در محکومیت استفاده بیش از حد از زور توسط مقامات عراقی صریح‌تر عمل کرد و با انتشار گزارش‌های حقوق بشری و دیدار مستقیم نماینده ویژه سازمان ملل با مرجعیت عالی شیعیان، خواستار توقف فوری خشونت‌ها شد. به عنوان مثال، نماینده سازمان ملل در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۹ به نجف رفت و با آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی، مرجع تقلید شیعیان عراق دیدار کرد (مکتب سماحة السید السیستانی، ۲۰۱۹). از این‌رو، تظاهرکنندگان از این شبکه‌ها برای جلب توجه جهانی به مطالبات خود استفاده کردند و اعتراضات به یک مسئله بین‌المللی تبدیل شد (Al-Shadeedi & et al., 2020: p. 10).

۹. از رسانه‌های اجتماعی تا جنبش اجتماعی؛ ابزارهای نفوذ آمریکا در عراق

آمریکا با یک استراتژی دقیق و هدفمند، موفق شد اذهان عمومی عراق، به ویژه اهل سنت را به سمت خود جلب کند. این استراتژی بر دو محور اصلی استوار بود: اول، شناسایی و برجسته‌سازی افراد تاثیرگذار در هر استان و تبدیل آن‌ها به چهره‌های محبوب در میان مردم. دوم، تاسیس و حمایت مالی از موسسات غیردولتی که به مسائل اجتماعی مانند حقوق بشر، زنان، کودکان و آوارگان می‌پرداختند. این موسسات با فعالیت‌های خود، جایگاه ویژه‌ای در دل مردم پیدا کردند و به نوعی جایگزین سیاستمداران شده‌اند که به دلیل فساد از مردم دور شده بودند (امامی و امیدی، ۱۳۹۸: ص ۲۵۵). یکی از نمونه‌های بارز این استراتژی، برنامه تبادل رهبران جوان است که توسط آمریکا اجرا می‌شد. در این برنامه، افراد جوان و بانفوذ مانند «روان سالم» به آمریکا

1. Digital Media Center. (2020). مرکز الاعلام الرقمی (Retrieved from: <https://dmc-iq.com/00/00/3030>)

دعوت می‌شدند و پس از بازگشت، به عنوان الگو و رهبر در جامعه خود عمل می‌کردند. این افراد پس از بازگشت به عراق، به لطف آموزش‌هایی که دیده‌اند و با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، به چهره‌های تاثیرگذار تبدیل شده و با استفاده از صفحات مجازی پر بیننده خود، پیام‌های آمریکا را به طور گسترده‌تری منتشر می‌کردند و به این ترتیب، نفوذ آمریکا در عراق را افزایش می‌دادند. لذا، آمریکا با بهره‌گیری از ابزارهای نرم قدرت و حمایت از جنبش‌های اجتماعی توانست به اهداف خود در عراق دست یابد. با وجود قطعی اینترنت در عراق، همچنان اخبار تظاهرات در شبکه‌ها منتشر می‌شد. همین موضوع این انگاره را تقویت کرد که فعالان شبکه‌های اجتماعی و اکانت‌های آنان در خارج از کشور عراق مدیریت می‌شوند که قطعی اینترنت تاثیری در انتشار اخبار اعتراضات ندارد. بررسی هشتگ «العراق یتنفض» نشان می‌دهد که فقط ۶ درصد عراقی‌ها از آن استفاده کردند؛ اما سهم کاربران عربستان سعودی ۷۹ درصد، کاربران کویتی ۷ درصد؛ کاربران امارات ۳ درصد و کاربران مصری ۲ درصد از این هشتگ بوده است. از هفته‌های پیش شبکه‌های اجتماعی آغاز تظاهرات در روز ۱ اکتبر را اعلام کرده بودند. حمایت سفارت آمریکا و انگلیس و برخی فعالان رسانه‌ای رژیم صهیونیستی از این تظاهرات قابل توجه بود. شاید مواضع اخیر عراق در خصوص مخالفت با معامله قرن (صفقة القرن) و دست داشتن رژیم صهیونیستی در حوادث اخیر، ارتباطی با حمایت این کشورها از تظاهرات داشته باشد (حسین‌پور، ۱۳۹۸: ۵۶).

۱۰. صحنه‌گردانان جنبش تشرین عراق و لبنان در شبکه‌های اجتماعی

«جنبش تشرین» در عراق رهبری مشخصی نداشت و هدایت آن به شبکه‌های اجتماعی و افراد فعال در این فضا واگذار شده بود. شعار اصلی این جنبش «الشعب یرید إسقاط النظام» بود و افرادی مانند غيث التميمي، ستيفن نبيل، احمد البشير، انور الحمدانی و سهير القيسي به عنوان چهره‌های اصلی آن در فضای مجازی شناخته می‌شدند. گروه‌های بعثی و شیعه انحرافی نیز در این اعتراضات نقش داشتند. رسانه‌های خارجی و شبکه‌های اجتماعی تلاش کردند جنبش را به سمت ایران‌هراسی سوق دهند و اکانت‌های عربستانی نیز در این راستا فعال بودند. جنبش تشرین در عراق در واکنش به مشکلات اقتصادی و اجتماعی شکل گرفت، اما با دخالت خارجی از مسیر مسالمت‌آمیز منحرف شد. در نهایت، اگرچه استعفای عبدالمهدي و تصویب قانون انتخابات از دستاوردهای آن بود، اما شهادت سلیمانی و المهندس و افزایش شکاف‌های داخلی منجر به بی‌ثباتی بیشتر شد. در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۹ لبنان، برخی از شخصیت‌ها و سلبریتی‌های لبنانی با حضور فعال خود در تظاهرات، حمایتشان را از معترضان اعلام کردند. به عنوان مثال،

نادین الراسی، بازیگر مشهور لبنانی، با حضور در خیابان‌های بیروت و آتش زدن لاستیک‌ها، اعتراض خود را به وضعیت موجود نشان داد. همچنین، سلمان اسحاقی، دی‌جی لبنانی، با استفاده از موسیقی در تجمعات، به معترضان انرژی می‌داد. این اقدامات نشان‌دهنده حمایت سلبریتی‌ها از اعتراضات در آن دوره بود. تاثیر این اقدام زمانی برجسته‌تر شد که شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ماهواره‌ای، به‌ویژه شبکه اینترنشنال، این تصاویر و ویدیوها را به‌سرعت مخابره کردند. انتشار گسترده این صحنه‌ها از طریق رسانه‌ها، پیام اعتراضات را فراتر از مرزهای لبنان برد و توجه افکار عمومی جهانی را به خود جلب کرد.

۱۱. یافته‌های تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی

جدول ۲- تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق

محور اصلی	نقش و تاثیر	بازیگران اصلی	مقوله‌های استخراج‌شده
الگوهای انتشار اطلاعات	سازماندهی اطلاعات، ایجاد هویت جمعی میان معترضان	فعالان شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های مستقل، اینفلوئنسرها	انتشار سریع اخبار اعتراضات، به‌روزرسانی لحظه‌ای، استفاده گسترده از هشتگ‌ها
شکل‌گیری افکار عمومی	تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های عمومی و افزایش آگاهی	رسانه‌های مستقل، اینفلوئنسرها، فعالان شبکه‌های اجتماعی	انتقاد از فساد و ناکارآمدی دولت، مطالبه تغییرات اساسی، همدردی با معترضان، بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی
بازنمایی قدرت	چالش ساختارهای سنتی قدرت و افزایش نفوذ مردمی	افراد عادی، اینفلوئنسرها، فعالان شبکه‌های اجتماعی	تأثیرگذاری افراد عادی، تضعیف قدرت دولت‌ها، ظهور قدرت شبکه‌ای، استفاده از قدرت نرم
تغییر مفهوم قدرت	توزیع غیرمتمرکز قدرت و افزایش مشارکت اجتماعی	افراد عادی، فعالان شبکه‌های اجتماعی، رهبران اعتراضات	تغییر ساختار قدرت، نقش قدرت مردم، ظهور ابزارهای جدید قدرت
ارتباط شبکه‌های اجتماعی و اعتراضات	تسهیل سازماندهی اعتراضات و افزایش هماهنگی	فعالان شبکه‌های اجتماعی، رهبران اعتراضات	دعوت به تظاهرات، هماهنگی بین معترضان، بسیج نیروهای مردمی، تغییر چهره اعتراضات با ورود به شبکه‌های اجتماعی

در ادامه، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای داده‌های شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق به صورت تفصیلی ارائه می‌شود. این یافته‌ها به درک عمیق‌تر نقش شبکه‌های اجتماعی در سازماندهی، شکل‌گیری افکار عمومی و بازتعریف مفهوم قدرت کمک می‌کند:

۱. الگوهای انتشار اطلاعات: تحلیل داده‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در جریان اعتراضات ۲۰۱۹

لبنان و عراق، نقش محوری در انتشار سریع و گسترده اطلاعات ایفا کرده‌اند. در این میان، هشتگ‌ها به عنوان ابزاری کلیدی برای سازماندهی و دسته‌بندی اطلاعات عمل می‌کردند. برای مثال، هشتگ‌هایی مانند

العراق _ ينتفض و # لبنان _ ينتفض نه تنها به جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات مربوط به اعتراضات کمک می‌کردند، بلکه به شکل‌گیری یک هویت جمعی میان معترضان نیز منجر می‌شدند.

مضمون‌های استخراج شده: «انتشار سریع اخبار اعتراضات»، «به‌روزرسانی لحظه‌ای»، «استفاده گسترده از هشتگ‌ها».

بازیگران اصلی: فعالان شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های مستقل، اینفلوئنسرها.

تحلیل‌ها حاکی از آن است که فعالان شبکه‌های اجتماعی، به ویژه اینفلوئنسرها، نقش مهمی در انتشار اطلاعات ایفا نموده و بسیاری از شهروندان از طریق صفحات آنها به آخرین اخبار و تحولات اعتراضات دسترسی پیدا می‌کردند. همچنین رسانه‌های مستقل که در شبکه‌های اجتماعی حضور فعالی داشتند، در انتقال اخبار به دور از سانسور و دستکاری نقش موثری ایفا می‌نمودند.

۲. شکل‌گیری افکار عمومی: شبکه‌های اجتماعی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری و تغییر افکار عمومی در مورد اعتراضات ۲۰۱۹ فراهم آوردند. این شبکه‌ها با ایجاد فضایی برای بحث و گفت‌وگو، به مردم امکان دادند تا دیدگاه‌های خود را بیان کنند و با دیدگاه‌های دیگران آشنا شوند.

مقوله‌های استخراج شده: «انتقاد از فساد و ناکارآمدی دولت»، «مطالبه تغییرات اساسی»، «همدردی با معترضان»، «بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی».

بازیگران اصلی: رسانه‌های مستقل، اینفلوئنسرها، فعالان شبکه‌های اجتماعی.

تحلیل‌ها نشان داد که در شبکه‌های اجتماعی، گفتمان‌های انتقادی در مورد فساد، ناکارآمدی دولت و نابرابری اجتماعی به شدت رواج داشت. همچنین شبکه‌های اجتماعی، فضایی را برای بیان همدلی با معترضان و محکوم کردن خشونت علیه آنان فراهم کردند. در مقابل، مردم به رسانه‌های رسمی که غالباً اخبار را دستکاری می‌کردند و طرفدار دولت بودند، بی‌اعتماد بودند.

۳. بازنامایی قدرت: در شبکه‌های اجتماعی، قدرت به صورت غیرمتمرکز توزیع می‌شد. افراد عادی که در دنیای واقعی قدرت چندانی نداشتند، از طریق شبکه‌های اجتماعی امکان تاثیرگذاری پیدا می‌کردند.

مقوله‌های استخراج شده: «تاثیرگذاری افراد عادی»، «تضعیف قدرت دولت‌ها»، «ظهور قدرت شبکه‌ای»، «استفاده از قدرت نرم».

بازیگران اصلی: افراد عادی، اینفلوئنسرها، فعالان شبکه‌های اجتماعی.

تحلیل داده‌ها نشان داد که قدرت در شبکه‌های اجتماعی، بیشتر از طریق «قدرت نرم» و توانایی افکار عمومی اعمال می‌شد و زور و اجبار جایگاهی نداشت. فعالان شبکه‌های اجتماعی با استفاده از

هشتگ‌ها، تصاویر و ویدئوها، به ایجاد جنبش‌های اجتماعی و بسیج مردم کمک می‌کردند و به نوعی ساختارهای سنتی قدرت را به چالش می‌کشیدند.

۴. تغییر مفهوم قدرت: شبکه‌های اجتماعی به تغییر مفهوم قدرت در جوامع کمک کردند. در این فضا، قدرت دیگر منحصر به دولت‌ها و نهادهای رسمی نبود، بلکه افراد عادی نیز می‌توانستند با استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی، نقش موثری در معادلات سیاسی و اجتماعی ایفا کنند.

مقوله‌های استخراج شده: «تغییر ساختار قدرت»، «نقش قدرت مردم»، «ظهور ابزارهای جدید قدرت».

بازیگران اصلی: افراد عادی، فعالان شبکه‌های اجتماعی، رهبران اعتراضات.

تحلیل داده‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی به تضعیف قدرت دولت‌ها و تقویت قدرت مردم کمک کردند. در این فضا، قدرت دیگر از بالا به پایین اعمال نمی‌شد، بلکه به صورت افقی و در میان شبکه‌های مختلف توزیع می‌شد. این تغییرات، نشان‌دهنده تحولی در مفهوم قدرت از سلطه و اجبار به نفوذ و اقناع بود.

۵. ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی و اعتراضات: شبکه‌های اجتماعی نه تنها به عنوان ابزاری برای انتشار اطلاعات، بلکه به عنوان ابزاری برای سازماندهی و هماهنگی اعتراضات نقش ایفا می‌کردند.

مقوله‌های استخراج شده: «دعوت به تظاهرات»، «هماهنگی بین معترضان»، «بسیج نیروهای مردمی»،

«تغییر چهره اعتراضات با ورود به شبکه‌های اجتماعی».

بازیگران اصلی: فعالان شبکه‌های اجتماعی، رهبران اعتراضات.

تحلیل‌ها نشان داد که شبکه‌های اجتماعی به معترضان امکان دادند تا به سرعت با هم ارتباط برقرار کرده و در مورد اهداف و برنامه‌های خود به توافق برسند. همچنین شبکه‌های اجتماعی به معترضان کمک می‌کردند تا در مورد زمان و مکان تظاهرات هماهنگی ایجاد کنند و به صورتی مؤثر و هدفمند به اعتراضات خود ادامه دهند. در اینجا شبکه‌های اجتماعی نه تنها در فضای مجازی، بلکه در فضای واقعی نیز باعث سازماندهی حرکت‌های جمعی بودند. در مجموع، یافته‌های تحلیل محتوا نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی نقش محوری در شکل‌گیری، گسترش و تداوم اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق داشته‌اند. این شبکه‌ها با ایجاد فضایی برای ارتباط سریع، دسترسی آسان به اطلاعات، شکل‌گیری افکار عمومی و سازماندهی غیرمتمرکز، به بازتعریف مفهوم قدرت در جوامع کمک کرده‌اند و ساختارهای سنتی قدرت را به چالش کشیده‌اند.

۱۲. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات ۲۰۱۹ لبنان و عراق، نشان داد که ظهور این

شبکه‌ها ساختارهای سنتی قدرت را به چالش کشیده و نظام نوینی از کنشگری اجتماعی را ایجاد کرده است. تحلیل محتوای داده‌ها نشان داد که شبکه‌ها ابزاری قدرتمند برای انتشار اطلاعات، شکل‌دهی افکار عمومی و سازماندهی اعتراضات هستند. هشتگ‌ها فضایی برای ارتباط معترضان ایجاد کرده و اینفلوئنسرها و رسانه‌های مستقل، در ارائه دیدگاه‌های انتقادی نقش دارند. در این فضا، قدرت نه فقط در دست دولت‌ها، بلکه در دست افراد عادی نیز قرار دارد و بیشتر از طریق اقناع اعمال می‌شود. شبکه‌ها به معترضان امکان سازماندهی می‌دهند و باعث تغییر مفهوم قدرت از سلطه به نفوذ شده‌اند. در مجموع، شبکه‌های اجتماعی نقش محوری در بازتعریف قدرت داشته‌اند، ساختارهای سنتی را به چالش کشیده و قطب‌های جدیدی از قدرت ایجاد کرده‌اند و نشان می‌دهند که در عصر دیجیتال، قدرت به صورت افقی توزیع می‌شود. این تغییرات، چالش‌هایی را برای نظام‌های سیاسی ایجاد می‌کند که نیازمند توجه بیشتر است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ابعاد دیگر تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر مفهوم قدرت بررسی شود.

منابع

- احمدپور ترکمانی، بابک؛ ازکیا، مصطفی؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۷). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان با تأکید بر دسترس‌پذیری رسانه‌ای و کاربر فعال. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۳(۴۵): ص ۴۵-۵۶.
- امیدی، علی؛ امامی، اسماء (۱۳۹۸). تأثیر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا بر افزایش نفوذ این کشور در عراق. *پژوهش‌های بین‌الملل*، ۹(۴): ص ۲۸۳-۲۵۱.
- بشیری، حسین (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- حسین‌پور، محمداقرا (۱۳۹۸). دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در عراق. *پژوهش بین‌الملل*، ۴(۴۰): ص ۶۸-۴۸.
- دریفوس، هیوبرت (۱۳۷۹). *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*. ترجمه حسین بشریه. تهران: نشر نی.
- ده‌صوفیانی، اعظم (۱۳۹۸). مرجعیت سلبریتی‌ها در مسائل اجتماعی؛ با تأکید بر فرصت‌ها و تهدیدها در فضای مجازی. *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، شماره ۲۰: ص ۸۳-۱۱۶.
- ذوالفقاری، ابراهیم (۱۳۹۸). *قدرت و مقاومت در اندیشه میشل فوکو*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- رحمان‌زاده، سید علی (۱۳۸۹). کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱(۱).
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۷). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- عبد، علی حسن (۲۰۲۰). *دور الإعلام الحديث فی مجریات أحداث ثورة تشرين فی العراق*. رساله مقدمة إلى مجلس كلية الإعلام، جامعة الأديان والمذاهب لنيل درجة الماجستير فی الإعلام. وزارة العلوم والأبحاث والتكنولوجيا، جامعة الأديان والمذاهب، كلية الإعلام.
- عبدالفتاح، نبیل (۲۰۱۶). *الشبكات الاجتماعية وتغيير السلطة*. القاهرة: مركز الدراسات السياسية والاستراتيجية.
- عودة، سهی (۲۰۱۹). *الإعلام العراقي بين التغطية البغائية للسلطة وقمع الفضائيات*. قابل دسترس در: <https://www.independentarabia.com/node/46651>
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. مترجم: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۸). *قدرت ارتباطات*. ترجمه حسین بصیریان جهرمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمد، حمدان (۲۰۱۳). *القوى الناعمة وإدارة الصراع عن بعد*. بیروت: دار المحجة البيضاء للنشر.
- محمدیاری، معصومه (۱۳۹۱). مقایسه مفهوم قدرت در اندیشه هابز و فوکو. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۷(۱۱): ص ۵۸-۶۳.
- مركز الإعلام الرقمی (۲۰۲۰). *تقرير تظاهرات تشرين*. <https://dmc-iq.com>
- مکتب سماحة السيد السيستاني (۲۰۱۹). *بيان المرجع الأعلى حول التظاهرات فی العراق*. ۱۱ تشرين الثاني ۲۰۱۹.
- <https://www.sistani.org/arabic/archive/26359>
- منوچهری، عباس (۱۳۷۶). *قدرت، مدرنیسم و پست مدرنیسم*. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۲(۱۲۱-۱۲۲).
- میثمی، حسن (۱۳۹۹). *نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی (مصاحبه)*.

- الهاشمی، هاشم (۲۰۲۰). *تظاهرات العراق: سلوك اجتماعي لتغيير سلوك النظام*. مركز دراسات الجزيرة: <https://studies.aljazeera.net/ar/article/4688>
- Ali, Z. (2019). Iraqis Demand a Country. *Middle East Report*, no. 292-293: p. 2-5.
- Al-Shadeedi, H., Skelton, M. & Saleem, Z.A. (2020). *Why Iraq's Protesters Won't Go Home: 10 Voices from the Movement*. LSE Middle East Centre.
- Burns, A. & Nürnberger, M. (2019). *The Impact of social media on Modern Protest Movements and Democracy*. The Sociable.
- Castells, M. (2017). *The Power of Communication*. Translated by Hossein Basiryan Jahromi. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company.
- Digital Media Center. (2020). *Digital Media Center*. Retrieved from: <https://dmc-iq.com>
- El Ghusayni, R. (2022). *Hope, Motivation, and Mobilization: The Role of Social Media Activists in Fueling the October 2019 Lebanese Revolution*. PhD., Dissertation. American University of Beirut.
- Isa, D. & Himelboim, I. (2018). A Social Networks Approach to Online Social Movements: Social Mediators and Mediated Content in #FreeAJStaff Twitter Network. *Social Media + Society*, 4(1): p. 1-14.
- Kairouz, A. & Dagher, W. (2020). The Impact of social media upon the Lebanese Revolution of October 17, 2019. *International Journal of Mechanical and Production Engineering Research and Development (IJMPERD)*, 10(3): p. 7737-7748.
- Mehanna, S. (2021). *The Role of social media in Mobilizing, Sustaining and Ending the Major Protests of the October 17 Revolution*. Master's Thesis, Notre Dame University-Louaize.
- Nye, J.S. (1990). Soft Power. *Foreign Policy*, No. 80: p. 153-171.